

زنده باد فوتبال



پژمان راهبر

تعجب نکردیم وقتی شنیدیم مجری تلویزیون عراق که گزارش بازی فینال را برعهده داشت، در پایان بازی، پس از تکرار چند باره کلمه «الله اکبر»، به گریه افتاد. برای او این لحظه شبیه زمانی بود که بغض گزارشگر آرژانتینی در لحظه گل دوم دیه گو مارادونا به انگلیس در جام جهانی ۱۹۸۶ ترکید. او که یک نفس و تندتند با کلماتی شبیه به رمان های گابریل گارسیا مارکز، دربیبل های مارادونا را توصیف می کرد، بعد از گل به هق هق افتاد و فریاد زد؛ «خدایا از خلقت مارادونا متشکریم.» این کلمات که بعدها در صفحات ۵ و ۴ دور ضبط شده و تبدیل به نشانه مهم ترین لحظه تاریخ فوتبال آرژانتین شد، شعری فی البداهه بود که یک نویسنده آن را به «انفجار هسته ای غرور خرد شده آرژانتینی ها» تشبیه کرد. آنها که در جنگ فالکلند مقابل انگلیس شکست خورده بودند ولی با فوتبال انتقام خود را - تمام و کمال - گرفتند .

دیشب، روز تکرار تاریخ بود. روزی که تیم فوتبال عراق، فینالیست غیرمنتظره جام ملت های آسیا، با خواست بی امان مردانش، به جام رسید تا بندی بر دل شکسته ملت مصیبت زده خود زده باشد. آنها که پس از چهار سال جنگ بی وقفه، یکدیگر را بی توجه به قوم و مذهب در آغوش گرفتند و شانه های زخم خورده هم را تر کردند. آنها که شادی شان نیز متأثر از جنگ بود؛ شلیک های بی امان هوایی و فریادهای جنون آسا تا مرز زخمی شدن حنجره ها .

پیروزی عراق در جام ملت های آسیا، بردی برای فوتبال بود و تبلیغی بزرگ برای فوتبال آسیا که قهرمانی هیچ تیم دیگری در آن، شبکه های مهم خبری دنیا را وادار نمی کرد تا برنامه های عادی خود را قطع کرده و صحنه های دور افتخار بازیکنان عراق به دور ورزشگاه «گلورا بونگ کارنو» را پخش کنند. در عین حال، فوتبال آسیا هرگز در موقعیتی سیاسی - ورزشی مشابه این قرار نگرفته بود، شرایطی که می شود آن را با قهرمانی آلمان غربی در جام جهانی ۱۹۹۰ پس از اتحاد دو آلمان مقایسه کرد که خواستی جهانی پشت قهرمانی آلمان وجود داشت، برای آنکه مردم این کشور دوباره، سریع تر به اتحاد برسند .

عراقی ها که دیروز مقابل یک تیم عربی دیگر به نام عربستان به پیروزی رسیدند، از این تیم دل خوشی نداشتند، چرا که عربستان متحد مستقیم امریکا در حملات دهه گذشته به عراق بوده است. عزیز، فوتبال نویس عراقی که هر روز از صفحات روزنامه های مالزیایی و اندونزیایی عکس می گرفت و به عراق می فرستاد، در لایه لای حرف های خود درباره عراق به روزی اشاره می کرد که عربستانی ها، خوزه کاندیدو مربی برزیلی و موفق خود را به دلیل تیریک به سرمری و تیم ملی عراق برکنار کردند. آن روزها - ۱۴ سال پیش - عراق تازه از جنگ کویت فارغ شده بود و برای حضور در مرحله مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۴ به قطر آمده بود. روزهایی که عدی، فرزند صدام رئیس فدراسیون فوتبال این کشور بود و به مجرد ناکامی، بازیکنان این کشور را مورد شکنجه قرار می داد ...

دیشب، ۱۴ سال بعد بود. سال ها بعد از جنگ و چند سال پس از سرنگونی صدام و به روی کار آمدن دولت انتلافی. تعجبی نداشت که جلال طالبانی و نوری المالکی مشغله های مهم سیاسی را رها کرده و پای تلویزیون نشسته بودند. همه امید آنها به این بود که مردان ملی پوش شان که با بازوبند مشکی به یاد کشته شدگان بمب گذاری چهارشنبه به زمین آمده بودند، حریف را شکست داده و نام عراق را به دلیل رویدادی غیر از جنگ و بمب و انفجار به سر زبان ها بیندازند. برای آنها ۹۰ دقیقه بدون جنگ نیز نعمتی بود. ۹۰ دقیقه بدون آنکه مویی از سر کسی کم شود... کاش فینال جام ملت های آسیا یک بازی ابدی بود،

البته دقایقی پس از بازی خبرنگار ایرنا گزارشی از عراق مخابره کرد که نشان دهنده بقا و نضج اختلافات قومی و مذهبی در عراق است. جایی که شادی مردم طرفدار فوتبال پس از مدتی با شعارهایی علیه فرقه های مذهبی درآمیخت .

یک فیلسوف می گوید؛ «فوتبال نماد پیوند و همبستگی انسان هاست و هیچ ورزش دیگری این تعداد شرکت کننده را دربرنمی گیرد که در پی هدفی مشخص تا این اندازه با یکدیگر همنوایی و همراهی کنند.» دیروز که نخی نامرئی ملت عراق را به هم وصل کرده

بود، به این نتیجه رسیدیم که حق با این فیلسوف محترم است. پس زنده باد غلتیدن توپ به درون دروازه. زنده باد فوتبال که همه را با هم برادر می کند،

تکمله؛ طبیعتاً بند قبلی بهترین پایان برای این یادداشت بود اما اتفاقات پس از پیروزی عراق در بازی نیمه نهایی و انفجارهای بغداد نشان داده است که در عراق نمی شود حتی به شادی فوتبال اطمینان کرد. با این حال این امید وجود دارد که موج شادی مانع از تکرار فجایع چهارشنبه گذشته بشود. ما برای فوتبال و مردم عراق دعا می کنیم .

همه برای قهرمانی متحد شدند عراق برای اولین بار فاتح جام ملت های آسیا شد

مهدی زعیب زاده

گروه ورزش، در حالی که عادل فردوسی پور با پایان مسابقه فینال جام ملت های آسیا از کارشناس برنامه سوال کرد چگونه تیم «ب» ایران پیش از آغاز تورنمنت، دو بار موفق به شکست عراق شد، خبرنگاران حاضر در اندونزی تند تند مشغول ارسال گزارش قهرمانی تیم فوتبال عراق بودند. دیروز تمام آسیایی ها کلاه خود را به احترام عراق برداشتند. قهرمانی چهاردهمین دوره جام ملت ها نه به استرالیایی مدعی رسید، نه ایران پرستاره و نه ژاپن منظم. بلکه این عراقی ها بودند که با غلبه بر هزاران مشکل ریز و درشت و البته حریفان سرسخت خود جام را در جاکارتا بالای سر بردند .

عراق در شرایطی پا به شرق آسیا گذاشته بود که درگیر بودن این کشور با جنگ داخلی و همچنین کنار گذاشتن بسیاری از ستارگان این تیم به اتهام تنبانی در رقابت های جام خلیج (فارس) شانس این تیم را برای قهرمانی کمتر از دیگر مدعیان قاره نشان می داد، اما عراقی های با انگیزه و متحد در زمین مسابقه حقیقت دیگری را نشان دادند. پیروزی سه بر یک عراق در برابر استرالیا در مرحله گروهی ثابت کرد که عراق را باید یکی از مدعیان فتح جام دانست. تیمی که با اتکا به خط دفاعی قدرتمندش حریفانش را یکی پس از دیگری کنار زد و در فینال به آنچه استحقاقش را داشت رسید. عراق در دیدار پایانی برتر از حریف خود عربستان بود و یک کرنر کافی بود که قهرمانی به این تیم صمیمی و دوست داشتنی برسد. «یونس محمود» کاپیتان عراقی ها با یک ضربه سر، کرنر «هوار محمد» را تبدیل به تک گل فینال جام چهاردهم کرد. نکته جالب اینجا است که این اولین حضور عراق در فینال به شمار می رفت. آنها پس از سال ها این بار موفق شدند با «ژوروان ویرا» ی برزیلی هم به فینال برسند و هم قهرمانی را جشن بگیرند. در طرف مقابل حریف آنها عربستان ششمین فینال خود را تجربه می کرد. شکست سعودی ها باعث شد که تعداد قهرمانی های آنها در همان عدد سه باقی بماند. عربستان که در دیدارهای قبلی بازی های تهاجمی و قابل قبولی از خود ارائه کرده و بیشترین گل ها را به ثمر رسانده بود هرگز نتوانست از سد بهترین خط دفاعی جام عبور کند ضمن اینکه اگر «مارک شیلد» داور استرالیایی مسابقه کمی با عراقی ها مهربان بود می توانست در نیمه دوم یک پنالتی هم برای این تیم منسجم بگیرد. فراموش نکنیم عراق در شرایطی به قهرمانی رسید که از ستاره های معروف این تیم از جمله احمد کاظم، عماد رضا، رزاق فرحان و عبدالوهاب ابوالهیل خبری نبود اما عراق آنقدر «تیم» بود که برای قهرمانی به این «اسم» ها نیاز نداشته باشد. به هر حال در میان حسرت ایرانیان پرونده جام چهاردهم با قهرمانی عراق بسته شد و عربستان، کره جنوبی و ژاپن رده های دوم تا چهارم را به خود اختصاص دادند. آنچه در این جام به چشم آمد کیفیت نه چندان دندانگیر بازی ها بود. ضمن اینکه تیم های بزرگی چون استرالیا، کره جنوبی و ایران در حد انتظار ظاهر نشدند و این در شرایطی بود که هر چهار تیم راه یافته به مرحله نیمه نهایی از مربیان خارجی سود می بردند. فینال هم که مصاف دو برزیلی بود که ویرا پیروز این نبرد شد تا با اضافه کردن این افتخار به کارنامه اش در انتظار نشستن روی نیمکت یک تیم بزرگتر باشد. برای حسن ختام بد نیست بدانید یاسر قحطانی (عربستان)، تاکاهازا (ژاپن) و یونس محمود (عراق) نیز با چهار گل زده آقای گل مسابقات شدند. مسابقاتی که قهرمانش تیمی است که همین یک ماه پیش مغلوب تیم دوم ما شده بود. ولی چه اهمیتی دارد. آنها تا ۲۰۱۱ قطر قهرمان محبوب آسیا هستند.

گل به جای گلوه

آرش محمدی

بازیکنانی که دیروز جام بالای سر بردند از دل گلوه و غبار بیرون آمده بودند. عراق با درد و بدبختی پای به جام ملت های آسیا گذاشت و در تیم، چهره ای نبود که بدون درد از دست دادن یکی از اعضای خانواده یا نزدیکانش در جام ملت ها حاضر شده باشد. اشک شوقشان بعد از قهرمانی را دیدی؟ شاید این سانتی مانتالیسم اغراق شده، دلیلی جز دریغ برای گل هایی که عمرشان به دیدن قهرمانی عراق کفاف نداد، نداشت. عراق در چنین شرایطی قهرمان جام ملت های آسیا شد. چیزی که دنیا - مردم و رسانه های

گروهی -خواستارش بودند. در حالت عادی جام ملت های قاره ای مثل آسیا اهمیت چندانی برای رسانه ها در اروپا و امریکا ندارد اما عراق این قاعده را با حضورش در فینال بازی ها به هم زد. دیروز ۹۰ دقیقه در بغداد و تمام نقاط این کشور صدای خمپاره شنیده نشد. هرچند که به قول خبرنگار رویترز همه چیز با پایان این ۹۰ دقیقه و ۹۰ دقیقه هایی که عراق آنها را با پیروزی در این رقابت ها پشت سر گذاشت، آغاز می شود؛ دوباره روز از نو و روزی از نو و دوباره صدای گلوله صدایی است که این کشور را پر می کند. گاه، قهرمانی ها واقعاً حماسی به نظر می رسند. مطمئن باشید اگر ژاپن، کره، عربستان و حتی ایران قهرمان این رقابت ها می شدند، هیچ کدام به اندازه عراق جنگ زده اتفاق ویژه ای را رقم نمی زدند. اما حالا عراق کانون توجه است. تیمی برخاسته از ویرانه های جنگ که جنگید و پیروز از میدان خارج شد. آنها با انگیزه ترین تیم آسیا برای فتح جام بودند، تیمی که انگیزه اش واقعی و عینی بود؛ اینکه صلح، اینکه اندکی شادی، اینکه گل به جای گلوله... لطفاً،
طعم خوب یکی بودن

برمک بهره مند

«عراق». منظورم این بار از «عراق» نه جنبش های سنی، نه شیعی، نه نیروهای انتلافی و نه هیچ عبارت دیگری است که بخشی از عراق و نه همه آن را نمایندگی کند، این بار از «عراقی» صحبت می کنم که عربستان سعودی را برد و برنده چهاردهمین دوره جام ملت های آسیا شد. کسانی که اخبار عراق را پوشش می دهند این روزها خبرهای زیادی پیدا نمی کنند که صرفاً درباره «عراق» باشد که این روزها چیزی به نام «عراق» به تنهایی در بده بستان های جهانی کمتر حضور دارد. عراق بیشتر از اینکه چیزی به نام «کشور عراق» باشد که مثلاً با کشورهای دیگر در مواجهه یا صلح به سر می برد، جبهه جنگی است بین کشورهایی که خرده حساب های شخصی شان را با هم تسویه می کنند یا محل کشمکشی است برای قوم های مختلف عراقی که البته همه عراقی هستند اما کنار عراقی بودن چیزهای دیگر هم هستند که این چیزهای دیگر در «عراقی» و «متحد» و «یکی» بودنشان پارازیت انداخته است. در سال های اخیر - یعنی همه آن سال هایی که بعثی ها حکمرانی می کردند و همه این سال هایی که هر وقت می خواهیم از دولت «عراق» نام ببریم باید کنار آن یک ویژگی خاص یا نزدیک به امریکا بودن آن را مشخص کنیم - حداقل ده ها هزار عراقی کشته شده اند. فقط ده ها هزار نفر در خشونت های قومی سال گذشته کشته شده و صدها هزار نفر دیگر هم آواره کشورهای همسایه مثل سوریه شده اند. بیشتر کسانی که در تیم ملی فوتبال عراق کاری کردند تا پرچم عراق بر دوش سنی، شیعه و کردهای عراقی بنشینند و فریاد خدا را شکر به زبان کردی و عربی سر داده شود می گویند شیعه بوده اند اما کنار شیعه ها سنی ها هم بازی می کردند. پس بعد از مدت ها می توانیم بگوییم «عراقی» ها کنار هم کاری کردند که صلح طلبان عراقی فقط در رویاهایشان می دیدند. «عراقی ها»، چه شیعه، چه کرد و چه سنی حالا دارند در خیابان ها پرچم عراق را می بوسند. لاف تا حالا (زمان نوشتن این یادداشت) که سه ساعت از پیروزی «عراق» گذشته هنوز به غیر از رگبارهای پراکنده و تیرهای هوایی که خبر از جشن می دهد و این بار نه از خشونت هنوز انفجاری در عراق رخ نداده است. عراقی ها کوچه پس کوچه های بغداد - چه در محلات سنی نشین و چه در محلات شیعه نشین - به خیابان ها ریخته اند. خیلی هایشان فریاد می زنند، «بازی کن عراق، بازی کن...» و «همیشه پیروز باش عراق، همیشه پیروز باش». در شهرک شیعه نشین صدر بغداد - که در این سال ها نامش را در خبرها بسیار شنیده ایم، مثلاً؛ «یک خودرو در شهرک صدر منفجر شد و ۱۰ نفر را کشت و ده ها نفر دیگر را زخمی کرد.» - حالا مردم به خیابان ها ریخته اند و قدم می زنند، موسیقی عربی از بلندگوها پخش می شود و به رغم ممنوعیت رانندگی خیلی ها سوار ماشین هستند، پرچم عراق را تکان می دهند و سرودهای پیروزی می خوانند. ایمان الخالیدی خبرنگار عراقی به روزنامه شرق گفت؛ «خیابان های بغداد مملو از جمعیت است و در واقع می توان گفت جای سوزن انداختن نیست.» او می گوید مردم از وحدت می گویند، اینکه این پیروزی برای همه عراق است، اینکه همه مردم شاد و خوشحال هستند، اینکه سیاستمداران بیایند و با شادی مردم هم صدا شده و با یکدیگر متحد شوند.

به این ترتیب، طعم خوب «یکی بودن» که این روزها در پی بردهای پشت سر هم زیر دندان عراقی ها مزه کرده در واقع رویای همه کسانی را متجلی کرده که فارغ از هر چیز دیگر عراقی هستند و می خواهند عراقی بمانند.

پس از پیروزی هنوز بمبی در عراق منفجر نشده. اما آیا طعم خوب این «یکی بودن» می تواند مستمر باشد یا به زودی در هیاهوی خشونت های قومی فراموش می شود؟

جلال طالبانی پس از برد عراقی ها در پیامی که شبکه خبری العربیه آن را پخش کرد گفت؛ «این پیروزی، عراق دموکراتیک و فدرال را سربلند کرد.»

دعای او برای ملت عراق این بود؛ «الان همه عراقی ها آمده اند بیرون و باهم دارند پیروزی خود را جشن می گیرند. ان شاءالله بتوانیم کاری کنیم این پیروزی باعث وحدت عراق بشود و سیاستمدارها بتوانند ورزشکارها را الگوی خود قرار بدهند.»